

زن ستيزی يا دشمنی با بشریت

اين بار سخن از زن است. سخن از زن که مادر است، همسر است و خواهر است. سخن از موجودیست که صد ها سال ميشود زير بار مناسبات منحنط جامعه مرد سالار رنج میکشد و نمیتواند قد راست کند. سخن از بی عدالتی، بی عزتی، بی احترامی و بی توجهی در حق زن است. سخن از به گوشه خانه راندن زن است. سخن از بی سواد یا کم سواد نگهداشتن قصدی زن است. سخن از بی حرمتی به آن نصف جمعیت بشری است که سر افراز و باعزت نسل های بشری را تربیه و پرورش کرده است. سخن از کسی در میان است، که امور خانه، پرورش فرزندان، آوردن آب نوشیدنی، واریسی از حیوانات و بعضا شخم زدن، درو و جمع آوری حاصلات را به بازوان ضعیف و زنانه خود ولی با همت بلند تحمل میکند. سخن از کسی در میان است که زیر نام دین و مذهب او را "اسیران" ما گفتند و ما با این "اسیران" بی رحمانه و غیر انسانی بر خورد کردیم. سخن از کسی در میان است که گویا "کشت زار" مردان هستند ولی با این "کشت زار" نا جوانمردانه جفا کردند. سخن از کسی در میان است که زیر نام به اصطلاح عزت و غیرت نا مردانه گوش و بینی اش را بریدند. سخن از کسی در میان است که زیر فشار مناسبات کهنه مرد سالار و اعتراض به حق تلفی ها خود سوزی نموده و خود را از نعمت زیبایی و لطافت جسمی محروم ساخته، تا مگر جامعه و مردمش به قدر و حقوق او پی ببرند، که نبردند. سخن از کسی در میان است که ناقص العقل اش خواندند و در برابر قانون نصف یک مرد حساب اش کردند. سخن از کسی در میان است که زیر نام سنت های جامعه عقب مانده مذهبی، برویش برقع کشیدند تا جهان، روشنایی و پیشرفت و تمدن را مانند دیگران نبیند و از زیبایی ها لذت نبرد و بالاخره سخن از کسی در میان است که مجاهد از اجتماع راندش و طالب سنگسار اش کرد. بلی دوستان سخن از زن در میان است، زنی که ما را بدنیا آورد و از شیر جانشان پرورش داد.

زنان این نیم نفوس جامعه ما که به قول معروف "دو بال یک پرده اند" در طول تاریخ نه تنها مصروف امور خانه، تربیه و پرورش فرزندان بوده بلکه همان طوریکه قبلا تذکر رفت پا به پای مردان در کار های زمینداری و تربیه حیوانات سهم گرفته اند. حماسه های زنان با غیرت کشور در هنگام مقابله با هجوم بیگانه ها در تاریخ کم نیست. شجاعت و پایداری زنان شجاع چون ملالی، لوی ادی، زرغونه، نازو انا . . . در بلند نگهداشتن بیرق پیروزی در جنگ ها بر ضد اشغالگران خارجی، افتخار تاریخ کشور ما است. هم چنان زنان نام آور چون رابعه بلخی، مخفی بدخشی . . . با حفظ محدودیت های جامعه سنتی وقت در بلند نگهداشتن بیرق علم و ادب همت گماشته اند و افتخارات بزرگ کمایی کرده اند.

بیسوادی و کم سوادی وسیع در میان زنان و دور نگهداشتن قصدی آنان از مکتب و مدرسه زیر نام اینکه زن برای اجرای امور خانه و پرورش فرزندان خلق شده، باعث گردیده که زنان کمتر از حقوق و امتیازات خود با خبر بوده و در جامعه و دستگاه اداره کشور حضور داشته باشند. همین اکنون صدها هزار دختر مستعد مکتب، بنابر دلایل گوناگون به مکتب نمیروند. سطح جذب دختران در پوهنتون های کشور به مراتب پاینتر از سهمیه شان در این موسسات است. دختران نمیتوانند از بورس های تحصیلی دراز مدت و کوتاه مدت کشورهای خارجی بنابر شرایط ناگوار اجتماعی، ضدیت گروپ های زن ستیز در دستگاه دولت و تبلیغات گروپ های افراطی خارج دولت استفاده لازم ببرند. کورس های سواد آموزی برای زنان بخصوص در ولایات بدلیل تسلط تنظیم های جهادی خیلی نا چیز و قابل صرف نظر است. لذا شورا های زنان، وزارت زنان و موسسات حقوق بشر و سازمان های مدنی و فرهنگی در بلند بردن سطح دانش سیاسی، علمی و اجتماعی زنان کوشیده و برای شان تفهیم بدارند که حقوق شان بیشتر از آن است که مرد ها برایشان قایل اند.

ایجاد موسسات دفاع از حقوق زنان، تشکیل و تشویق شوراهای زنان اشتراک زنان و دختران در اتحادیه های محصلان، کارگران و کارمندان، هنرمندان، شعرا و نویسندگان . . . و دادن سهم بیشتر به آنها در سطوح رهبری و سازماندهی، برگزاری محافل گفت و شنود، تشکیل سمینارها، کنفرانس ها و محافل توضیح قوانین جاری کشور و آگاه ساختن زنان از مفاد قوانین از اولویت هایست که باید در صدر وظایف موسسات مذکور قرار داشته باشد.

خشونت با زنان چه در محیط خانواده و یا هم در اجتماع پدیده نو نیست. لت و کوب، تحقیر و توهین، بی عزتی، بی احترامی، بی توجهی و بی تفاوتی در مقابل زنان، متأسفانه خیلی وسیع بوده و بار ها باعث مرگ زنان و یا هم سبب از هم پاشیدن خانواده ها گردیده است. تصورات کهنه و منحنط برتری مرد ها که اکثرا زیر چتر دین و مذهب اعمال میشود، یکی از پرابلم های بسیار عمده و بزرگ جامعه ماست که زنان با آن مواجه هستند. پرابلم دیگری که اکثریت دختران و زنان کشور از آن رنج میبرند، ازدواج های اجباری است. قربانیان این نوع ازدواج ها بعضاً در بدل پول،

جایداد و یا رسوخ مجبور به ازدواج با مردان می شوند که بیشتر از شصت سال عمر داشته و از لحاظ فیزیکی تمام نیرو و توان شان به تحلیل رفته و حتی نواسه های شان صاحب زن و شوهر اند. که این عمل خیلی بی شرمانه، دور از اخلاق انسانی و کاملاً زشت و حیوانی است. به " بد " دادن دختران، مجبور ساختن زنان بیوه جهت ازدواج با یکی از اعضای فامیل شوهر قبلی، جدا ساختن فرزندان از زنان بیوه که مطابق خواست و علاقه فامیل خسر، نه بلکه با کسی دیگری ازدواج کند، همه و همه رسم و رواج های زن ستیز بوده با قوانین بشری و حقوق انسانی بکلی مطابقت ندارد.

محاکم و شعبات عدلی کشور که اکثراً در قید ملا ها و داملا های تاریک نگر، کهنه پرست، رشوت خور و بعضاً افراطی گیر مانده، از درک حقوق انسانی زنان، نورم های قبول شده جهانی مندرج اعلامیه حقوق بشر سازمان ملل و کنوانسیون های محو خشونت و رفع هر نوع تبعض علیه زنان، عاجز بوده و به مراجع سرکوب، تحقیر، توهین و به کنار راندن زنان تبدیل گردیده است. به زندان انداختن پسران و دختران جوان که خلاف میل خانواده ها ازدواج کرده اند، باعث گردیده که این جوانان بهترین ایام زنده گی خود را در زندان بگذرانند. بی سر نوشتی، گوشه زندان، احساس حقارت در اجتماع و میان دوستان و بعضاً تجاوز زندانبانان به حیثیت و وقار زنان باعث بروز بیماری های روحی در ایشان گردیده و به این ترتیب زنده گی یک انسان بی گناه تباہ و قربانی رسم و رواج های نا پسند و بی عدالتی های دستگاه قضایی و امنیتی کشور میگردد.

تجلیل روز های جهانی عدم خشونت علیه زنان در کشور ما تا زمانی موثر و کار گذار نخواهد بود که زنان استقلال اقتصادی نداشته و بر زنده گی خود حاکم نباشند. دست بین بودن زنان و نداشتن مدرک معین درآمد باعث وابستگی گردیده و این خود زنجیر است بر دست و پای زنان. از این رو شورا های زنان، وزارت زنان، سازمان های بین المللی مدافع حقوق زنان و سازمان های حقوق بشری باید زمینه کار و جذب زنان با سواد، کم سواد و بی سواد را در موسسات دولتی، اقتصادی و اجتماعی فراهم ساخته، در تامین استقلال اقتصادی شان کمک کرده و همزمان در زمینه رشد و پیشرفت بعدی شان پلان های علمی و کار آمد را طرح و تطبیق نمایند. کم شدن وابستگی اقتصادی، بلند رفتن سطح دانش علمی و ارتقای فهم سیاسی و اجتماعی زنان زمینه مکی بخود بودن آنان را فراهم ساخته، زنجیر های اسارت، بنده گی و برده گی را گسسته و زنان شجاع و با همت کشور به پای خود ایستاده و در اعمار کشور و پرورش فرزندان برومند، با دانش و وطنپرست نقش مهم و مهمتر بدوش خواهند گرفت.

پایان